

بررسی مبانی حقوقی و تاثیر شرط رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال در حقوق ایران

احسان مشکل گشا^{۱*}، سیاوش اسفندیاری^۲

۱- گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

۲- گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

چکیده

با گسترش روزافزون فناوری‌های دیجیتال و توسعه بسترهای الکترونیکی، شیوه‌های سنتی انعقاد قرارداد دچار تحول اساسی شده و رضایت طرفین غالباً نه از طریق اعلام صریح، بلکه از رهگذر رفتارهایی مانند کلیک بر گزینه «موافقم»، ادامه استفاده از خدمات یا نصب نرم‌افزار ابراز می‌شود. این تحولات، مفهوم «رضایت ضمنی» را به یکی از عناصر محوری قراردادهای دیجیتال تبدیل کرده و پرسش‌های مهمی را درباره اعتبار حقوقی، حدود آثار و میزان تعهدات ناشی از آن در حقوق ایران مطرح ساخته است. با وجود نقش پررنگ رضایت ضمنی در عمل، نظام حقوقی ایران هنوز از چارچوبی روشن و منسجم برای تحلیل و تنظیم این نوع رضایت برخوردار نیست. هدف این پژوهش، بررسی مبانی فقهی و حقوقی رضایت ضمنی و تحلیل تأثیر آن بر اعتبار و آثار قراردادهای دیجیتال در حقوق ایران است، به گونه‌ای که ضمن شناسایی ظرفیت‌های موجود، چالش‌ها و خلأهای حقوقی این حوزه نیز تبیین شود. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای، تحلیل قواعد فقه امامیه، بررسی حقوق مدنی ایران و قوانین مرتبط با تجارت الکترونیکی انجام شده است. همچنین، ویژگی‌های خاص محیط دیجیتال و تأثیر آن بر شکل‌گیری اراده و رضایت کاربران مورد توجه قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رضایت ضمنی در فقه امامیه، به‌ویژه در قالب عقود معاطاتی، از مبانی معتبر برخوردار است و قابلیت تطبیق با قراردادهای دیجیتال را دارد. با این حال، در محیط دیجیتال، عواملی نظیر عدم توازن اطلاعات، پیچیدگی شروط، طراحی ساختاری پلتفرم‌ها و فشارهای غیرمستقیم می‌تواند منجر به بروز عیوب اراده و تضعیف رضایت واقعی شود. بر این اساس، رضایت ضمنی نباید جایگزین رضایت واقعی تلقی گردد، بلکه صرفاً اماره‌ای برای کشف آن محسوب می‌شود. نتیجه‌گیری پژوهش حاکی از آن است که اعتبار و آثار حقوقی رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، منوط به تحقق آگاهی و اختیار واقعی کاربران است. تفسیر محتاطانه رضایت ضمنی و توجه به حمایت از طرف ضعیف‌تر قرارداد، می‌تواند ضمن حفظ کارآمدی قراردادهای دیجیتال، از تحمیل تعهدات ناعادلانه جلوگیری کرده و زمینه توسعه منصفانه تجارت الکترونیک در حقوق ایران را فراهم سازد.

واژگان کلیدی: رضایت ضمنی، قراردادهای دیجیتال، اراده واقعی، حمایت از مصرف‌کننده، حقوق ایران

مقدمه

گسترش روزافزون فناوری‌های دیجیتال و نفوذ آن‌ها در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی، اقتصادی و حقوقی، موجب تحول اساسی در شیوه‌های ایجاد روابط قراردادی شده است. قراردادهای که در حقوق سنتی مبتنی بر ملاقات اراده‌ها، مذاکره حضوری و اعلام صریح قصد و رضایت طرفین بودند، در فضای دیجیتال عمدتاً در قالب قراردادهای استاندارد، الحاقی و از پیش تنظیم‌شده منعقد می‌شوند. در این فضا، نقش رفتارهای فنی کاربران - نظیر کلیک کردن، ثبت‌نام، ادامه استفاده از خدمات یا سکوت - در تحقق قرارداد، جایگزین ابزارهای کلاسیک اعلام اراده شده است. این تحول، اگرچه موجب تسهیل مبادلات و توسعه تجارت الکترونیک شده، اما در عین حال چالش‌های مهمی را در خصوص اعتبار رضایت و تحقق اراده واقعی طرفین قرارداد ایجاد کرده است (آهنگران، ۱۳۹۹).

در نظام حقوقی ایران، رضایت به‌عنوان یکی از ارکان اساسی صحت قرارداد، جایگاهی بنیادین در فقه امامیه و قانون مدنی دارد. مطابق ماده ۱۹۰ قانون مدنی، قصد و رضای طرفین شرط اساسی صحت معاملات است و هرگونه خدشه به این عنصر می‌تواند اعتبار عقد را با تردید مواجه سازد. فقه امامیه نیز همواره بر لزوم وجود اراده آزاد و آگاهانه در انعقاد عقود تأکید داشته و نهادهایی چون اکراه، اشتباه و تدلیس را به‌منظور حمایت از اراده واقعی پیش‌بینی کرده است (شیروی، ۱۴۰۲). با این حال، در قراردادهای دیجیتال، غالباً رضایت نه به‌صورت صریح و آگاهانه، بلکه به‌طور ضمنی و از طریق رفتارهای غیرکلامی احراز می‌شود؛ امری که ضرورت بازاندیشی در مفهوم رضایت و معیارهای اعتبار آن را دوچندان می‌کند. «رضایت ضمنی» در قراردادهای دیجیتال به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای اثبات توافق، نقش محوری ایفا می‌کند. پلتفرم‌های دیجیتال معمولاً با درج شرط رضایت ضمنی در شرایط استفاده، وجود توافق را مفروض دانسته و آثار حقوقی گسترده‌ای بر آن مترتب می‌سازند. این در حالی است که کاربران، در بسیاری از موارد، بدون مطالعه دقیق شروط قراردادی و بدون آگاهی کافی از پیامدهای حقوقی آن، اقدام به پذیرش قرارداد می‌کنند. چنین وضعیتی این پرسش اساسی را مطرح می‌سازد که آیا می‌توان رضایت ضمنی را هم‌سنگ رضایت واقعی و آگاهانه دانست یا آن را صرفاً آماره‌ای قابل خدشه برای کشف اراده تلقی کرد (فلاحی، ۱۴۰۳).

اهمیت این مسئله زمانی برجسته‌تر می‌شود که به ماهیت الحاقی اغلب قراردادهای دیجیتال توجه شود. در این قراردادها، کاربران معمولاً فاقد امکان مذاکره یا تغییر مفاد قرارداد هستند و تنها میان پذیرش کامل یا عدم استفاده از خدمت مخیر می‌باشند. این عدم توازن اطلاعاتی و اقتصادی میان طرفین، زمینه تضعیف اراده واقعی کاربران و تحمیل شروط ناعادلانه را فراهم می‌آورد و ضرورت حمایت حقوقی از مصرف‌کنندگان را آشکار می‌سازد (جان‌محمدی و همکاران، ۱۴۰۳). از این منظر، بررسی شرط رضایت ضمنی نه‌تنها یک بحث نظری، بلکه مسئله‌ای کاربردی و مرتبط با عدالت قراردادی و امنیت حقوقی در فضای دیجیتال است. در سال‌های اخیر، قانون‌گذار ایرانی با تصویب مقرراتی همچون قانون تجارت الکترونیکی، تلاش‌هایی برای تنظیم روابط قراردادی در فضای مجازی انجام داده است؛ با این حال، این مقررات عمدتاً کلی بوده و به‌طور خاص به تبیین معیارهای احراز رضایت ضمنی و حدود اعتبار آن نپرداخته‌اند. از سوی دیگر، رویه قضایی نیز در این زمینه پراکنده و فاقد وحدت رویه است و معیارهای روشنی برای تمایز میان رضایت واقعی و رضایت ظاهری ارائه نمی‌دهد (وحدتی، ۱۴۰۱). این خلأ تقنینی و رویه‌ای، ضرورت انجام پژوهش‌های تحلیلی عمیق در این حوزه را برجسته می‌سازد.

بررسی ادبیات حقوقی نشان می‌دهد که هرچند پژوهش‌های متعددی در زمینه قراردادهای الکترونیکی و دیجیتال انجام شده، اما تحلیل متمرکز و نظام‌مند شرط رضایت ضمنی و آثار آن بر اعتبار قراردادها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. برخی آثار با رویکرد فقهی، امکان تطبیق رضایت ضمنی در قراردادهای معاطاتی با قراردادهای دیجیتال را بررسی کرده‌اند (بدیعی، ۱۴۰۰)، و برخی دیگر به معرفی انواع قراردادهای دیجیتال و چالش‌های کلی آن پرداخته‌اند (آهنگران، ۱۳۹۹)، اما ارائه چارچوبی جامع برای ارزیابی اعتبار رضایت ضمنی و آثار حقوقی آن، همچنان با کاستی‌هایی مواجه است. علاوه بر این، تحولات نوینی همچون قراردادهای هوشمند، پلتفرم‌های بازارگاه دیجیتال و دارایی‌های دیجیتال، پیچیدگی‌های تازه‌ای را به بحث رضایت افزوده‌اند. در این بسترها، نقش فناوری در شکل‌دهی به رفتار کاربران و جهت‌دهی به تصمیم آن‌ها، اهمیت تحلیل‌های میان‌رشته‌ای و توجه به جنبه‌های رفتاری رضایت را افزایش داده است (کریمی و سینمبری، ۱۴۰۳؛ فتاحیان و قناد، ۱۴۰۴). با این وجود، حقوق ایران هنوز به‌طور کامل به این تحولات پاسخ نداده و نیازمند تبیین معیارهای روشن برای سنجش رضایت واقعی در محیط‌های دیجیتال است.

پژوهش حاضر با هدف بررسی مبانی فقهی و حقوقی رضایت ضمنی و تحلیل تأثیر آن بر اعتبار و تعهدات ناشی از قراردادهای دیجیتال در حقوق ایران انجام شده است. در این پژوهش، تلاش می‌شود با بهره‌گیری از اصول حقوق قراردادها، مبانی فقه امامیه و تحلیل مقررات موجود، جایگاه واقعی رضایت ضمنی تبیین و حدود اعتبار آن مشخص شود. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی بوده و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مقالات علمی و بررسی تطبیقی محدود، چارچوبی برای ارزیابی حقوقی شرط رضایت ضمنی ارائه می‌شود. بنابراین، این تحقیق بر آن است که نشان دهد رضایت ضمنی، هرچند در عمل نقشی انکارناپذیر در انعقاد قراردادهای دیجیتال دارد، اما نمی‌تواند به‌طور مطلق جایگزین رضایت واقعی شود. اعتبار این نوع رضایت منوط به احراز شرایطی همچون آگاهی، اختیار و شفافیت اطلاعاتی است و تفسیر موسع آن می‌تواند به تضعیف حقوق مصرف‌کنندگان بینجامد. تبیین این شرایط و ارائه رویکردی متعادل، می‌تواند گامی مؤثر در جهت ارتقای امنیت حقوقی، کاهش اختلافات قراردادی و انطباق حقوق ایران با تحولات عصر دیجیتال باشد (امینی، ۱۴۰۳؛ عباسی، ۱۴۰۴).

۱. مبانی فقهی و حقوقی رضایت ضمنی در نظام حقوقی ایران

رضایت به‌عنوان یکی از ارکان اساسی انعقاد قرارداد، در نظام حقوقی ایران جایگاهی بنیادین دارد و هم در فقه امامیه و هم در حقوق مدنی، شرط تحقق آثار حقوقی عقد به شمار می‌رود. اصل حاکمیت اراده، که امروزه به‌عنوان یکی از اصول مسلم حقوق قراردادها شناخته می‌شود، بر این مبنا استوار است که اشخاص آزادند در چارچوب قانون، روابط قراردادی خود را تنظیم کنند و این آزادی بدون تحقق رضایت واقعی و آگاهانه طرفین، مفهومی نخواهد داشت. در این میان، رضایت همواره به‌صورت صریح ابراز نمی‌شود و در بسیاری از موارد، رفتار، اوضاع و احوال و قرائن خارجی به‌گونه‌ای است که از آن‌ها می‌توان به وجود رضایت پی برد؛ وضعیتی که در ادبیات حقوقی از آن با عنوان «رضایت ضمنی» یاد می‌شود. اهمیت این نوع رضایت به‌ویژه در قراردادهای دیجیتال دوچندان شده است؛ چرا که ساختار این قراردادها غالباً بر رفتارهای غیرکلامی کاربران مانند کلیک، ادامه استفاده از خدمات یا نصب نرم‌افزار استوار است و کمتر مجال بروز رضایت صریح به معنای سنتی آن وجود دارد (شیروی و همکاران، ۱۴۰۲).

در فقه امامیه، رضایت از ارکان اساسی صحت معاملات تلقی می‌شود و فقها عموماً بر این نکته اتفاق نظر دارند که عقد بدون رضا، فاقد اعتبار شرعی است. مستند این دیدگاه، افزون بر ادله عقلی، آیات و روایات متعددی است که بر لزوم تراضی در معاملات تأکید می‌کند؛ از جمله آیه «إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» که به صراحت شرط تراضی را برای مشروعیت معاملات بیان می‌کند. نکته قابل توجه آن است که فقه امامیه، برخلاف برخی برداشت‌های محدودکننده، رضایت را منحصر در اظهار لفظی نمی‌داند، بلکه تحقق آن را به هر وسیله‌ای که دلالت بر قصد و اختیار واقعی طرفین داشته باشد، ممکن می‌شمارد. از همین رو، بسیاری از فقها در بحث عقود معاطاتی، رفتار طرفین را کاشف از رضایت دانسته‌اند و آن را برای تحقق عقد کافی تلقی کرده‌اند. این مبنا، ظرفیت بالایی برای پذیرش رضایت ضمنی در قراردادهای نوین، از جمله قراردادهای دیجیتال، فراهم می‌آورد؛ زیرا در این نوع قراردادها نیز غالباً رفتار طرفین جایگزین ایجاب و قبول لفظی می‌شود (بدیعی و همکاران، ۱۴۰۰). در حقوق مدنی ایران نیز رضایت به‌عنوان یکی از شرایط اساسی صحت معاملات، در کنار قصد، اهلیت و مشروعیت موضوع معامله، مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفته است. ماده ۱۹۰ قانون مدنی، رضای طرفین را شرط لازم برای نفوذ عقد می‌داند و در مواد بعدی، به تبیین عیوب رضا مانند اکراه، اشتباه و تدلیس می‌پردازد. هرچند قانون مدنی تعریف صریحی از رضایت ضمنی ارائه نکرده است، اما از مجموع مقررات و نیز از رویه قضایی می‌توان استنباط کرد که قانون‌گذار، رضایت را مفهومی ماهوی می‌داند نه شکلی؛ به این معنا که آنچه اهمیت دارد، تحقق اراده واقعی طرفین است، نه نحوه ابراز آن. به همین دلیل، در بسیاری از موارد، سکوت توأم با اوضاع و احوال خاص، یا انجام رفتارهایی که عرفاً دلالت بر قبول دارد، به‌عنوان نشانه رضایت تلقی شده است. این برداشت، با روح اصل حاکمیت اراده و نیز با نیازهای روابط قراردادی مدرن هماهنگ است (امینی و همکاران، ۱۴۰۳).

با این حال، تمایز میان «رضایت ضمنی» و «سکوت» از منظر حقوقی و فقهی اهمیت فراوانی دارد. سکوت، فی‌نفسه، دلالتی بر رضایت ندارد و اصل بر عدم تعهد اشخاص در صورت سکوت است، مگر آنکه قرائن و اوضاع و احوال خاصی وجود داشته باشد که سکوت را به‌منزله قبول تعبیر کند. در فقه امامیه نیز قاعده «الاصل عدم الالتزام» حاکم است و سکوت، تنها در موارد استثنایی و با وجود قرائن معتبر، می‌تواند کاشف از رضا تلقی شود. رضایت ضمنی، برخلاف سکوت صرف، مبتنی بر رفتار مثبت یا مجموعه‌ای از اعمال و شرایط است که به‌طور متعارف، نشان‌دهنده پذیرش تعهدات قراردادی است. این تمایز در قراردادهای دیجیتال اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند؛ زیرا بسیاری از پلتفرم‌ها تلاش می‌کنند سکوت یا عدم واکنش کاربر را به‌عنوان رضایت تلقی کنند، در حالی که از منظر حقوقی، چنین تفسیری همواره قابل دفاع نیست و باید با احتیاط و بر اساس معیارهای روشن صورت گیرد (عباسی و همکاران، ۱۴۰۴).

یکی دیگر از مبانی مهم رضایت ضمنی در حقوق ایران، اصل حسن نیت و اعتماد مشروع است. هرچند اصل حسن نیت به صراحت در قانون مدنی ایران مورد تصریح قرار نگرفته است، اما در فقه امامیه و نیز در دکترین حقوقی، جایگاهی مهم دارد و در تفسیر قراردادها و ارزیابی رفتار طرفین مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر اساس این اصل، هرگاه یکی از طرفین، با رفتار خود به‌گونه‌ای عمل کند که عرفاً این انتظار را در طرف مقابل ایجاد کند که رضایت حاصل شده است، نمی‌تواند بعداً با استناد به فقدان رضایت صریح، از آثار قرارداد شانه خالی کند. این تحلیل، به‌ویژه در محیط دیجیتال که تعاملات سریع و غیرحضور است، نقش تعیین‌کننده‌ای در تثبیت اعتبار رضایت ضمنی ایفا می‌کند و مانع از سوءاستفاده طرف قوی‌تر قرارداد از ابهام‌های شکلی می‌شود (فلاحی و همکاران، ۱۴۰۳). از منظر نظریه‌های حقوق قراردادهای رضایت ضمنی را می‌توان در چارچوب «نظریه اعتماد» و «نظریه ظاهر» نیز تحلیل کرد. مطابق این نظریه‌ها، آنچه در روابط قراردادی اهمیت دارد، برداشت متعارف طرف مقابل از رفتار شخص است، نه نیت درونی و

اعلام‌نشده او. به بیان دیگر، اگر رفتار شخص به‌گونه‌ای باشد که عرفاً دلالت بر رضایت کند، قانون باید از اعتماد مشروع ایجادشده حمایت کند، حتی اگر شخص مدعی باشد که در باطن قصد التزام نداشته است. این رویکرد، با تحولات حقوق قراردادهای در عصر دیجیتال سازگار است و امکان انطباق قواعد سنتی با شیوه‌های نوین انعقاد قرارداد را فراهم می‌سازد. بسیاری از حقوقدانان ایرانی نیز با تکیه بر همین مبانی، تلاش کرده‌اند مفهوم رضایت ضمنی را به‌عنوان ابزاری کارآمد برای تحلیل قراردادهای الکترونیکی و دیجیتال توسعه دهند (شیروی و همکاران، ۱۴۰۲؛ عباسی‌اندواری و همکاران، ۱۴۰۱).

بنابراین، می‌توان گفت که نظام حقوقی ایران، چه از منظر فقه امامیه و چه از منظر حقوق مدنی، از ظرفیت‌های نظری و عملی لازم برای پذیرش رضایت ضمنی برخوردار است. با این حال، چالش اصلی نه در اصل پذیرش این مفهوم، بلکه در تعیین معیارهای دقیق احراز آن نهفته است؛ معیارهایی که بتوانند میان حمایت از آزادی قراردادی و جلوگیری از تحمیل تعهدات ناعادلانه، تعادل برقرار کنند. این چالش، در قراردادهای دیجیتال به‌مراتب پیچیده‌تر می‌شود و نیازمند بازخوانی مبانی سنتی رضایت در پرتو تحولات فناوری است. از این رو، بررسی مبانی فقهی و حقوقی رضایت ضمنی، گام نخست و ضروری برای تحلیل تأثیر شرط رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال به شمار می‌رود و زمینه را برای بحث‌های بعدی مقاله فراهم می‌سازد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳؛ وحدتی و همکاران، ۱۴۰۱).

۲. مفهوم، ماهیت و تمایز رضایت ضمنی از سکوت در حقوق مدنی ایران

رضایت ضمنی در حقوق مدنی ایران مفهومی است که در مرز میان اراده واقعی اشخاص و شیوه ابراز آن قرار می‌گیرد و از همین رو، تحلیل ماهیت آن مستلزم توجه هم‌زمان به مبانی نظری اراده، قواعد تفسیری قراردادهای و ملاحظات عملی روابط حقوقی است. قانون مدنی ایران، هرچند تعریف مستقلی از رضایت ضمنی ارائه نکرده، اما با تأکید بر «رضای طرفین» به‌عنوان شرط اساسی صحت معامله، این امکان را فراهم ساخته است که رضایت نه صرفاً به‌صورت لفظی، بلکه از طریق رفتار، اوضاع و احوال و قرائن خارجی نیز احراز شود. در واقع، رضایت ضمنی ناظر به وضعیتی است که در آن، اراده شخص بدون بیان صریح، اما از طریق اعمالی که عرفاً دلالت بر پذیرش دارد، متجلی می‌شود. این برداشت، با روح حقوق مدنی ایران که بر ماهیت اراده بیش از شکل آن تأکید دارد، سازگار بوده و به حقوق قراردادهای انعطاف لازم برای پاسخ‌گویی به نیازهای نوین اجتماعی و اقتصادی را می‌بخشد (امینی و همکاران، ۱۴۰۳).

از منظر تحلیلی، رضایت ضمنی را باید از دو مفهوم نزدیک اما متمایز، یعنی «قصد انشا» و «سکوت»، تفکیک کرد. قصد انشا، عنصر درونی و روانی ایجاد تعهد است که بدون آن، هیچ عقدی شکل نمی‌گیرد؛ در حالی که رضایت ضمنی، ناظر به نحوه احراز و اثبات همین قصد در عالم خارج است. به بیان دیگر، رضایت ضمنی به معنای فقدان قصد نیست، بلکه دلالت بر وجود قصدی دارد که از راهی غیر از بیان صریح کشف می‌شود. این تمایز، به‌ویژه در قراردادهای غیرحضور و دیجیتال اهمیت دارد؛ زیرا در این قراردادهای ابزاری سنتی ابراز اراده جای خود را به رفتارهایی داده‌اند که باید از منظر عرف و منطق حقوقی تحلیل شوند. بنابراین، پذیرش رضایت ضمنی به‌معنای عدول از اصل اراده نیست، بلکه تأکیدی است بر امکان کشف اراده واقعی از طریق نشانه‌های غیرلفظی (شیروی و همکاران، ۱۴۰۲). تمایز رضایت ضمنی از سکوت، یکی از حساس‌ترین و چالش‌برانگیزترین مباحث حقوق مدنی به شمار می‌رود. اصل کلی در حقوق ایران آن است که سکوت، فی‌نفسه، دلالت بر رضایت نمی‌کند و اشخاص را نمی‌توان صرفاً به دلیل عدم

واکنش، متعهد دانست. این اصل، ریشه در قاعده «عدم التزام» دارد و هدف آن، حمایت از آزادی اشخاص و جلوگیری از تحمیل تعهدات ناخواسته است. با این حال، حقوق مدنی مواردی را به رسمیت می‌شناسد که در آن‌ها سکوت، در پرتو اوضاع و احوال خاص، می‌تواند به منزله رضایت تلقی شود؛ مانند مواردی که عرف، سکوت را نشانه قبول می‌داند یا رابطه حقوقی پیشینی میان طرفین وجود دارد. در چنین وضعیتی، سکوت دیگر یک وضعیت خنثی نیست، بلکه در چارچوب یک نظام معنایی خاص، دلالت حقوقی پیدا می‌کند. رضایت ضمنی دقیقاً در همین نقطه شکل می‌گیرد؛ جایی که سکوت، همراه با رفتار یا شرایط خاص، به نشانه پذیرش تعبیر می‌شود (ملاهاشمی و همکاران، ۱۴۰۲).

در تحلیل ماهیت رضایت ضمنی، نقش عرف جایگاهی اساسی دارد. عرف، به‌عنوان یکی از منابع تفسیر اراده در حقوق مدنی ایران، معیار تشخیص آن است که آیا رفتار شخص، عرفاً دلالت بر رضایت دارد یا خیر. این معیار، از یک سو انعطاف‌پذیری لازم را برای تطبیق قواعد حقوقی با تحولات اجتماعی فراهم می‌کند و از سوی دیگر، مانع از تفسیرهای سلیقه‌ای و دل‌خواهی می‌شود. برای مثال، در بسیاری از روابط تجاری و به‌ویژه در بسترهای الکترونیکی، انجام عملی مانند استفاده مستمر از یک خدمت پس از اطلاع از شرایط آن، عرفاً به‌عنوان پذیرش مفاد قرارداد تلقی می‌شود. در چنین مواردی، رضایت ضمنی نه یک فرض غیرمنطقی، بلکه نتیجه‌ای مبتنی بر رفتار متعارف اشخاص است. البته، این تحلیل تنها در صورتی معتبر است که احراز شود شخص از شرایط آگاه بوده و امکان انتخاب آزادانه داشته است (رضایی و همکاران، ۱۳۸۷).

جدول (۱): انواع رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال و ارزیابی اعتبار حقوقی آن‌ها

| نوع رضایت ضمنی | شیوه تحقق در عمل | میزان آگاهی کاربر | وضعیت اعتبار حقوقی در حقوق ایران | چالش‌های اصلی |
|-----------------------|----------------------------------|----------------------------------|---------------------------------------|-----------------------------------|
| Clickwrap (کلیک‌ورپ) | کلیک فعال بر گزینه «موافقم» | نسبتاً بالا (در صورت نمایش شروط) | معتبر مشروط به اطلاع‌رسانی شفاف | طولانی بودن شروط، خوانده نشدن متن |
| Browsewrap (براوزورپ) | ادامه استفاده از وب‌سایت یا خدمت | پایین تا متوسط | محل تردید و نیازمند احراز عرف و آگاهی | فقدان اعلان مؤثر |
| نصب نرم‌افزار | دانلود و نصب برنامه | متوسط | معتبر در صورت اطلاع قبلی از شروط | ناآگاهی از تعهدات پنهان |
| استمرار استفاده | استفاده مداوم پس از تغییر شروط | اغلب پایین | اعتبار محدود و قابل خدشه | اکراه ساختاری |
| سکوت دیجیتال | عدم واکنش کاربر | بسیار پایین | اصولاً نامعتبر | اختلاط با عدم آگاهی |

در جدول ۱، مهم‌ترین اشکال تحقق رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال مورد شناسایی و تحلیل قرار گرفته است. این جدول با تفکیک شیوه‌های مختلف ابراز رضایت ضمنی مانند کلیک‌ورپ، براوزورپ، نصب نرم‌افزار، استمرار استفاده و سکوت دیجیتال، نشان

می‌دهد که صرف رفتار فنی کاربر لزوماً به معنای تحقق رضایت معتبر حقوقی نیست، بلکه میزان آگاهی، نحوه اطلاع‌رسانی و امکان انتخاب آزادانه نقش تعیین‌کننده‌ای در اعتبار این نوع رضایت دارند. همچنین جدول حاضر بیانگر آن است که در حقوق ایران، رضایت ضمنی تنها زمانی می‌تواند منشأ آثار حقوقی باشد که به‌عنوان اماره‌ای برای کشف اراده واقعی تلقی شود، نه جایگزین آن. بر این اساس، اشکالی مانند کلیک‌ورپ در صورت اطلاع‌رسانی شفاف، از اعتبار بیشتری برخوردارند، در حالی که براوزورپ و سکوت دیجیتال غالباً با تردیدهای جدی حقوقی مواجه‌اند و اعتبار آن‌ها نیازمند احراز عرف دیجیتال و آگاهی واقعی کاربر است.

یکی از مسائل مهم در بحث رضایت ضمنی، ارتباط آن با عیوب اراده است. حتی اگر رفتار شخص ظاهراً دلالت بر رضایت داشته باشد، در صورتی که این رضایت ناشی از اشتباه، اکراه یا اغفال باشد، نمی‌توان آن را معتبر دانست. حقوق مدنی ایران، با شناسایی عیوب اراده، تلاش کرده است میان ظاهر اراده و واقعیت روانی شخص تعادل برقرار کند. این مسئله در قراردادهای دیجیتال اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا کاربران ممکن است تحت تأثیر طراحی فنی پلتفرم‌ها، پیچیدگی شرایط یا فشارهای غیرمستقیم، به‌گونه‌ای رفتار کنند که ظاهراً رضایت ضمنی آنان استنباط شود، در حالی که اراده واقعی آن‌ها مخدوش است. از این منظر، تحلیل رضایت ضمنی بدون توجه به عیوب اراده، تحلیلی ناقص و گمراه‌کننده خواهد بود (امینی و همکاران، ۱۴۰۳؛ شیروی و همکاران، ۱۴۰۲). از حیث اثباتی نیز رضایت ضمنی جایگاهی خاص دارد. در دعاوی مربوط به قراردادها، به‌ویژه قراردادهای الکترونیکی، اثبات رضایت صریح همواره ممکن یا آسان نیست و طرفین ناگزیر به استناد به قرائن و شواهد غیرمستقیم می‌شوند. حقوق ایران، با پذیرش اصل آزادی ادله اثبات دعوا در امور مدنی، امکان استناد به رفتار، سوابق تعاملات و داده‌های الکترونیکی را برای اثبات رضایت ضمنی فراهم کرده است. این رویکرد، ضمن افزایش کارآمدی نظام حقوقی، چالش‌هایی نیز به همراه دارد؛ از جمله خطر تفسیر موسع رضایت ضمنی به زیان طرف ضعیف‌تر قرارداد. از همین رو، دکترین حقوقی بر لزوم احتیاط در استنباط رضایت ضمنی و توجه دقیق به اوضاع و احوال هر پرونده تأکید می‌کند (وحدتی و همکاران، ۱۴۰۱). در جمع‌بندی می‌توان گفت که رضایت ضمنی در حقوق مدنی ایران، مفهومی پویا و چندبعدی است که در تقاطع اراده واقعی، رفتار خارجی، عرف و قواعد حمایتی قرار دارد. این مفهوم، از یک‌سو ابزار مهمی برای تسهیل روابط قراردادی و انطباق حقوق با واقعیت‌های نوین به شمار می‌رود و از سوی دیگر، در صورت تفسیر نادرست، می‌تواند به ابزاری برای تضعیف حمایت از اشخاص، به‌ویژه در محیط دیجیتال، تبدیل شود (عباسی‌اندواری و همکاران، ۱۴۰۱؛ فلاحی و همکاران، ۱۴۰۳).

۳. شرط رضایت ضمنی و جایگاه آن در انعقاد و اعتبار قراردادها

شرط رضایت ضمنی در حقوق قراردادها مفهومی است که در پیوند میان اراده طرفین و سازوکارهای عملی انعقاد عقد قرار می‌گیرد و نقش آن در اعتبار و نفوذ قرارداد، به‌ویژه در روابط نوین و غیرسنتی، اهمیتی فزاینده یافته است. در تحلیل جایگاه این شرط، باید میان «رضایت» به‌عنوان عنصر ماهوی عقد و «شرط رضایت ضمنی» به‌عنوان شیوه تحقق و احراز آن تمایز قائل شد. رضایت، رکن بنیادین هر قرارداد است و بدون آن، عقد فاقد اثر حقوقی خواهد بود؛ اما شرط رضایت ضمنی ناظر به وضعیتی است که در آن، طرفین با پذیرش قبلی یا هم‌زمان یک شرط قراردادی، توافق می‌کنند که رضایت آن‌ها از طریق رفتار، استمرار تعامل یا عدم اعتراض در چارچوب معین احراز شود. این شرط، به‌ویژه در قراردادهایی که امکان یا ضرورت بیان صریح اراده در آن‌ها محدود است، ابزاری

برای تسهیل روابط حقوقی به شمار می‌رود (امینی و همکاران، ۱۴۰۳). از منظر حقوق مدنی ایران، اصل آزادی قراردادهای که در ماده ۱۰ قانون مدنی متجلی شده است، مبنای اصلی پذیرش شرط رضایت ضمنی به شمار می‌آید. بر اساس این اصل، طرفین می‌توانند هر شرطی را که مخالف صریح قانون، نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد، در قرارداد بگنجانند. شرط رضایت ضمنی نیز، مادامی که به نفعی اصل رضایت واقعی منجر نشود و اراده آزاد طرفین را مخدوش نکند، در چارچوب این اصل قابل توجیه است. در واقع، پذیرش چنین شرطی به معنای پیش‌بینی شیوه‌ای خاص برای احراز رضایت در آینده است، نه چشم‌پوشی از اصل رضایت. این تحلیل، به‌ویژه در قراردادهای مستمر و طولانی‌مدت که تعاملات مکرر میان طرفین وجود دارد، کارکرد عملی قابل توجهی دارد (وحدتی و همکاران، ۱۴۰۱).

با این حال، جایگاه شرط رضایت ضمنی در فرآیند انعقاد قرارداد، همواره روشن و بی‌چالش نیست. یکی از پرسش‌های اساسی آن است که آیا می‌توان تحقق رضایت را به‌طور کامل به یک شرط قراردادی واگذار کرد و از بررسی اراده واقعی طرفین صرف‌نظر نمود. پاسخ غالب در دکترین حقوقی ایران منفی است؛ چرا که رضایت، عنصری ماهوی و غیرقابل حذف است و هیچ شرطی نمی‌تواند فقدان آن را جبران کند. بنابراین، شرط رضایت ضمنی تنها در صورتی معتبر است که به‌عنوان اماره‌ای برای کشف اراده واقعی عمل کند، نه جایگزینی صوری برای آن. به بیان دیگر، این شرط باید در خدمت احراز رضایت باشد، نه ابزاری برای تحمیل تعهدات یک‌جانبه (عباسی‌اندواری و همکاران، ۱۴۰۱). در رویه عملی، شرط رضایت ضمنی غالباً در قالب مفادی ظاهر می‌شود که بر اساس آن، ادامه استفاده از یک خدمت، عدم اعلام مخالفت در مهلت معین یا انجام رفتار خاصی، به‌عنوان پذیرش مفاد قرارداد یا تغییرات آن تلقی می‌گردد. این شیوه، به‌ویژه در قراردادهای استاندارد و الحاقی رواج دارد؛ قراردادهایی که یکی از طرفین، شرایط را از پیش تنظیم می‌کند و طرف دیگر، امکان محدودی برای مذاکره دارد. در چنین وضعیتی، نقش شرط رضایت ضمنی دوگانه است: از یک‌سو، کارآمدی روابط قراردادی را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، خطر تضعیف حمایت از طرف ضعیف‌تر را به همراه دارد. از همین رو، تحلیل اعتبار این شرط بدون توجه به توازن قدرت قراردادی، تحلیلی ناقص خواهد بود (فلاحی و همکاران، ۱۴۰۳).

از منظر اعتبار قرارداد، شرط رضایت ضمنی زمانی می‌تواند مؤثر واقع شود که با سایر شرایط صحت معامله، به‌ویژه قصد و رضای واقعی، تعارض نداشته باشد. اگر احراز شود که طرف قرارداد، به دلیل جهل، اشتباه، اکراه یا اغفال، صرفاً به‌ظاهر در چارچوب شرط رضایت ضمنی عمل کرده است، نمی‌توان رفتار او را نشانه رضایت معتبر دانست. این مسئله در حقوق ایران، با توجه به جایگاه عیوب اراده، اهمیت ویژه‌ای دارد. قانون مدنی، با شناسایی این عیوب، نشان داده است که اعتبار قرارداد صرفاً بر مبنای ظاهر اراده سنجیده نمی‌شود، بلکه واقعیت روانی و اختیار آزاد طرفین نیز نقش تعیین‌کننده دارد. بنابراین، شرط رضایت ضمنی نمی‌تواند سپری برای مصون‌سازی قرارداد از ایرادات مربوط به عیوب اراده باشد (امینی و همکاران، ۱۴۰۳؛ شیروی و همکاران، ۱۴۰۲). در تحلیل جایگاه شرط رضایت ضمنی، نباید نقش عرف و رویه معاملاتی را نادیده گرفت. عرف، معیار اصلی تشخیص آن است که آیا شرط مزبور به‌طور معقول و متعارف تنظیم شده و آیا رفتار منتسب به رضایت، عرفاً دلالت بر پذیرش دارد یا خیر. در بسیاری از حوزه‌ها، مانند خدمات دیجیتال، بانکداری الکترونیکی و تجارت الکترونیکی، عرف خاصی شکل گرفته است که بر اساس آن، برخی رفتارها به‌عنوان نشانه رضایت پذیرفته می‌شوند. با این حال، این عرف نمی‌تواند مطلق و غیرقابل نقد باشد و همواره باید در پرتو اصول حمایتی و قواعد آمره مورد ارزیابی قرار گیرد (رضایی و همکاران، ۱۳۸۷).

از منظر فقهی نیز می‌توان برای شرط رضایت ضمنی جایگاهی قابل دفاع ترسیم کرد. همان‌گونه که فقهای امامیه در بحث عقود معاطاتی، رفتار طرفین را کاشف از رضایت دانسته‌اند، شرط رضایت ضمنی نیز می‌تواند به‌عنوان توافقی در خصوص نحوه احراز رضا تلقی شود. البته، این پذیرش مشروط به آن است که رفتار مورد استناد، به‌طور واقعی دلالت بر اختیار و قصد انشا داشته باشد و ناشی از اجبار یا فریب نباشد. این تحلیل فقهی، زمینه نظری لازم برای تطبیق قواعد سنتی با قراردادهای نوین را فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد که شرط رضایت ضمنی، پدیده‌ای بیگانه با نظام حقوقی ایران نیست (بدیعی و همکاران، ۱۴۰۰). یکی دیگر از ابعاد مهم شرط رضایت ضمنی، تأثیر آن بر زمان تحقق عقد است. در برخی قراردادها، به‌ویژه قراردادهای تدریجی، ممکن است ایجاب در یک زمان و رضایت ضمنی در زمان دیگر محقق شود. در این موارد، تعیین دقیق لحظه انعقاد عقد و آغاز آثار حقوقی آن، اهمیت عملی فراوانی دارد. شرط رضایت ضمنی می‌تواند این لحظه را به رفتار مشخصی گره بزند، اما این امر تنها در صورتی معتبر است که رفتار مزبور با آگاهی و اختیار کامل انجام شده باشد. در غیر این صورت، اختلافات جدی در خصوص نفوذ و آثار قرارداد پدید خواهد آمد (وحدتی و همکاران، ۱۴۰۱). بنابراین، می‌توان گفت که شرط رضایت ضمنی در حقوق مدنی ایران، نه یک قاعده مطلق و بی‌چون‌وچرا، بلکه نهادی انعطاف‌پذیر و مشروط است که اعتبار و کارآمدی آن به مجموعه‌ای از عوامل وابسته است؛ از جمله آگاهی طرفین، توازن قدرت قراردادی، نبود عیوب اراده، انطباق با عرف و رعایت اصول حمایتی. این شرط، در صورتی که به‌درستی طراحی و اجرا شود، می‌تواند نقش مهمی در تسهیل انعقاد قراردادها ایفا کند، اما در صورت سوءاستفاده، به ابزاری برای تضعیف اراده واقعی و تحمیل تعهدات ناعادلانه تبدیل خواهد شد. (عباسی و همکاران، ۱۴۰۴؛ فلاحی و همکاران، ۱۴۰۳).

جدول (۲): معیارهای تشخیص رضایت واقعی از رضایت ظاهری در قراردادهای دیجیتال

| معیار حقوقی | شاخص‌های تحقق | نقش در اعتبار قرارداد | وضعیت در عمل |
|-------------|--------------------------------|-----------------------|--------------|
| آگاهی | دسترسی آسان به شروط، زبان ساده | شرط اساسی صحت رضایت | اغلب ناقص |
| اختیار | امکان رد یا خروج از قرارداد | مانع اکراه ساختاری | محدود |
| شفافیت | نمایش برجسته شروط مهم | کاهش اشتباه و فریب | ضعیف |
| عرف دیجیتال | انتظارات متعارف کاربران | ابزار تفسیر رضایت | ناپایدار |
| عدم اغفال | نبود طراحی گمراه‌کننده | حفظ اراده واقعی | پرچالش |

در جدول ۲، معیارهای حقوقی لازم برای تمایز میان رضایت واقعی و رضایت صرفاً ظاهری در قراردادهای دیجیتال تبیین شده است. این جدول نشان می‌دهد که تحقق رضایت معتبر، مستلزم وجود عناصری همچون آگاهی کافی، اختیار واقعی، شفافیت شروط، فقدان اغفال و انطباق با عرف دیجیتال است؛ عناصری که فقدان هر یک از آنها می‌تواند رضایت اعلام‌شده را از اثر حقوقی معتبر تهی سازد. از منظر تحلیلی، این جدول تأکید می‌کند که بسیاری از قراردادهای دیجیتال علی‌رغم ظاهر رضایی، در عمل فاقد اراده واقعی هستند؛

زیرا کاربر یا از مفاد قرارداد آگاه نیست یا امکان انتخاب آزادانه ندارد. بنابراین، جدول حاضر ابزار مهمی برای تحلیل قضایی و دکترینال فراهم می‌آورد تا از اتکای صرف به ظاهر رضایت جلوگیری شود و حمایت مؤثرتری از طرف ضعیف قرارداد به عمل آید.

۴. قراردادهای دیجیتالی و شیوه‌های تحقق رضایت ضمنی در محیط الکترونیکی

قراردادهای دیجیتالی به‌عنوان یکی از بارزترین مظاهر تحول در روابط حقوقی معاصر، ساختار سنتی انعقاد قراردادها را دگرگون ساخته و شیوه‌های ابراز و احراز رضایت را با چالش‌های نظری و عملی جدیدی مواجه کرده‌اند. در این نوع قراردادها، اراده طرفین غالباً نه از طریق بیان صریح شفاهی یا کتبی، بلکه از رهگذر رفتارهای فنی و الکترونیکی تحقق می‌یابد؛ رفتارهایی که در بسیاری از موارد، واجد ماهیت «رضایت ضمنی» هستند. محیط الکترونیکی با حذف مواجهه حضوری، تسریع فرآیند انعقاد و استانداردسازی شروط قراردادی، زمینه‌ای فراهم کرده است که در آن رضایت، بیش از هر زمان دیگر، در قالب نشانه‌ها و امارات رفتاری تحلیل می‌شود. از این منظر، بررسی شیوه‌های تحقق رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتالی، بدون درک ماهیت خاص این قراردادها و اقتضات فنی و اقتصادی حاکم بر آن‌ها، امکان‌پذیر نخواهد بود (امینی، ۱۴۰۳).

در تحلیل ماهیت قراردادهای دیجیتالی، باید توجه داشت که این قراردادها لزوماً نوع جدیدی از عقد در معنای حقوقی کلاسیک نیستند، بلکه بیشتر ناظر به شیوه انعقاد و ابزار ابراز اراده‌اند. همان عناصر اساسی عقد، از جمله قصد و رضایت، موضوع معین و مشروعیت جهت، همچنان شرط صحت قرارداد باقی می‌مانند، اما نحوه تحقق آن‌ها دچار تحول شده است. رضایت در فضای دیجیتالی، غالباً در بستر رابط‌های کاربری، الگوریتم‌ها و طراحی‌های فنی تحقق می‌یابد؛ امری که نقش «معماری انتخاب» را در شکل‌دهی به اراده کاربران برجسته می‌سازد. در چنین شرایطی، رضایت ضمنی نه یک استثنا، بلکه قاعده غالب در بسیاری از قراردادهای دیجیتالی به شمار می‌رود (شیروی، ۱۴۰۲). یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تحقق رضایت ضمنی در محیط الکترونیکی، قراردادهای موسوم به «کلیک‌ورپ» است. در این نوع قراردادها، کاربر با کلیک بر گزینه‌ای نظیر «می‌پذیرم» یا «موافقم»، رضایت خود را نسبت به شرایط از پیش تعیین‌شده اعلام می‌کند. هرچند این شیوه در ظاهر، نوعی رضایت صریح به نظر می‌رسد، اما از منظر تحلیلی، اغلب مصداق رضایت ضمنی است؛ چرا که کلیک، به‌عنوان یک رفتار فنی، جایگزین بیان اراده آگاهانه و تفصیلی شده و معمولاً بدون مطالعه واقعی شروط انجام می‌گیرد. در حقوق ایران، اعتبار چنین رضایتی منوط به آن است که کاربر امکان معقول دسترسی به مفاد قرارداد و آگاهی از آثار حقوقی آن را داشته باشد؛ در غیر این صورت، کلیک صرف نمی‌تواند کاشف از رضایت معتبر تلقی شود (بدیعی، ۱۴۰۰؛ امینی، ۱۴۰۳).

در کنار کلیک‌ورپ، قراردادهای «براوزورپ» نمونه بارزتری از تحقق رضایت ضمنی محسوب می‌شوند. در این نوع قراردادها، صرف استفاده از وب‌سایت یا ادامه بهره‌مندی از خدمات دیجیتالی، به‌عنوان پذیرش شرایط تلقی می‌شود، بدون آنکه کاربر اقدام مثبت مشخصی مانند کلیک انجام دهد. این شیوه، به‌طور مستقیم بر نظریه رضایت ضمنی مبتنی است و اعتبار آن به‌شدت به عرف دیجیتالی و میزان شفافیت اطلاع‌رسانی بستگی دارد. اگر شرایط استفاده به‌گونه‌ای اعلام شده باشد که کاربر متعارف از وجود آن آگاه گردد و با این حال، به استفاده ادامه دهد، می‌توان رفتار او را نشانه رضایت ضمنی دانست؛ اما در صورت فقدان اطلاع‌رسانی مؤثر، چنین تفسیری با اصول حقوقی حاکم بر رضایت سازگار نخواهد بود (وحدتی، ۱۴۰۱). شیوه دیگر تحقق رضایت ضمنی در قراردادهای

دیجیتال، پذیرش تغییرات قراردادی از طریق استمرار استفاده از خدمت است. بسیاری از پلتفرم‌های دیجیتال، شروط خود را به صورت یک‌جانبه به‌روزرسانی کرده و اعلام می‌کنند که ادامه استفاده، به‌منزله پذیرش شرایط جدید خواهد بود. این سازوکار، از منظر حقوقی، مصداق بارز شرط رضایت ضمنی است که پیش‌تر مورد تحلیل قرار گرفت. اعتبار این شیوه، مستلزم رعایت معیارهایی چون اعلام قبلی تغییرات، اعطای فرصت معقول برای مخالفت یا فسخ، و عدم تحمیل شروط سنگین و غیرمنصفانه است. در غیر این صورت، استمرار استفاده نمی‌تواند به‌تنهایی رضایت معتبر تلقی شود، زیرا ممکن است ناشی از ناچاری یا فقدان جایگزین باشد (فلاحی، ۱۴۰۳؛ امینی، ۱۴۰۳).

قراردادهای هوشمند نیز، به‌عنوان جلوه‌ای پیشرفته از قراردادهای دیجیتال، شیوه خاصی از تحقق رضایت ضمنی را به نمایش می‌گذارند. در این قراردادها، اجرای خودکار تعهدات بر بستر بلاک‌چین صورت می‌گیرد و رضایت طرفین، غالباً در مرحله ورود به سیستم یا فعال‌سازی کد قرارداد محقق می‌شود. اگرچه در ظاهر، رضایت در اینجا صریح به نظر می‌رسد، اما پیچیدگی فنی و عدم درک کامل کاربران از آثار حقوقی و اقتصادی کدها، موجب می‌شود که تحلیل رضایت، بار دیگر به حوزه رضایت ضمنی و امارات رفتاری بازگردد. در حقوق ایران، با توجه به تأکید بر علم و آگاهی در تحقق رضایت، این نوع قراردادها نیازمند بررسی دقیق‌تری از حیث عیوب اراده هستند (عباسی‌اندواری، ۱۴۰۱). نکته اساسی در تمام شیوه‌های یادشده آن است که رضایت ضمنی در محیط الکترونیکی، همواره در معرض خطر بروز عیوب اراده قرار دارد. اشتباه ناشی از پیچیدگی شروط، اغفال از طریق طراحی گمراه‌کننده رابط کاربری، و حتی اکراه ناشی از وابستگی شدید کاربر به یک خدمت دیجیتال، همگی می‌توانند رضایت ظاهری را از مشروعیت حقوقی تهی سازند. همان‌گونه که در مباحث مربوط به عیوب اراده در پایان‌نامه نیز تبیین شده است، رضایتی که فاقد آگاهی یا اختیار واقعی باشد، هرچند در قالب رفتار دیجیتال بروز یابد، نمی‌تواند آثار حقوقی کامل به همراه داشته باشد (شیروی، ۱۴۰۲؛ امینی، ۱۴۰۳).

در این میان، نقش عرف دیجیتال به‌عنوان معیار تفسیر رفتار کاربران اهمیت ویژه‌ای دارد. عرف، تعیین می‌کند که آیا رفتار معینی، مانند کلیک یا استفاده مستمر، عرفاً دلالت بر رضایت دارد یا خیر. با این حال، عرف دیجیتال به دلیل سرعت تحول فناوری و ناهمگونی کاربران، ماهیتی سیال و ناپایدار دارد و نمی‌تواند به‌تنهایی مبنای احراز رضایت قرار گیرد. از این رو، حقوق ایران ناگزیر است عرف را در پرتو اصول کلی، از جمله حمایت از طرف ضعیف‌تر و منع سوءاستفاده از حق، تفسیر کند تا رضایت ضمنی به ابزاری برای تحمیل تعهدات ناعادلانه تبدیل نشود (رضایی، ۱۳۸۷). از منظر تحلیلی، می‌توان گفت که شیوه‌های تحقق رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، بیش از آنکه بر بیان اراده فردی استوار باشند، بر طراحی ساختارهای فنی و رفتاری تکیه دارند. این امر، مسئولیت تنظیم‌کنندگان پلتفرم‌ها را در تضمین شفافیت، سادگی و انصاف شروط قراردادی دوجندان می‌سازد. هرچه مسیر دسترسی به اطلاعات قراردادی دشوارتر و فهم آن پیچیده‌تر باشد، احتمال مخدوش شدن رضایت ضمنی افزایش می‌یابد و در نتیجه، اعتبار حقوقی قرارداد با تردید مواجه می‌شود (فلاحی، ۱۴۰۳). بنابراین، باید تأکید کرد که رضایت ضمنی در محیط الکترونیکی، نهادی اجتناب‌ناپذیر اما پرمخاطره است. حقوق ایران، با تکیه بر اصول سنتی خود در باب رضایت و عیوب اراده، ابزارهای نظری لازم برای مواجهه با این پدیده را در اختیار دارد، اما کارآمدی این ابزارها مستلزم بازخوانی و تطبیق آن‌ها با واقعیت‌های فنی و اقتصادی قراردادهای دیجیتال است. شیوه‌های تحقق رضایت ضمنی، اگر در چارچوب شفافیت، آگاهی و اختیار واقعی سامان یابند، می‌توانند

به تسهیل روابط قراردادی کمک کنند؛ اما در صورت غفلت از این الزامات، به منبعی برای تضعیف اراده و نقض عدالت قراردادی بدل خواهند شد. (امینی، ۱۴۰۳؛ وحدتی، ۱۴۰۱).

جدول (۳): آثار حقوقی رضایت ضمنی بر اعتبار و تعهدات ناشی از قراردادهای دیجیتال

| حوزه اثرگذاری | نقش رضایت ضمنی | محدودیت‌های حقوقی | نتیجه عملی |
|---------------------|-----------------|--------------------------|--------------------------|
| اعتبار قرارداد | اماره کشف اراده | عدم جایگزینی رضایت واقعی | امکان بطلان یا عدم نفوذ |
| شروط الحاقی | شمول تعهدات | تفسیر مضیق شروط سنگین | بی‌اعتباری شروط غیرمعارف |
| تغییرات یک‌جانبه | استمرار استفاده | لزوم اطلاع و حق انتخاب | محدودیت در الزام‌آوری |
| مسئولیت پلتفرم | استناد به شروط | منع سوءاستفاده از حق | تقویت مسئولیت |
| حمایت از مصرف‌کننده | کاهش بار اثبات | تقدم انصاف قراردادی | حمایت از طرف ضعیف |

در جدول ۳، آثار حقوقی رضایت ضمنی بر اعتبار قرارداد، تعهدات طرفین و مسئولیت پلتفرم‌های دیجیتال بررسی شده است. این جدول نشان می‌دهد که رضایت ضمنی، اگرچه می‌تواند موجب ایجاد تعهدات قراردادی شود، اما این آثار مطلق نبوده و همواره تحت نظارت اصول بنیادین حقوق ایران، از جمله لزوم رضایت واقعی، منع سوءاستفاده از حق و حمایت از مصرف‌کننده قرار دارد. بر اساس این جدول، در مواردی که رضایت ضمنی مبتنی بر آگاهی ناقص یا طراحی گمراه‌کننده باشد، نه تنها امکان بی‌اعتباری برخی شروط وجود دارد، بلکه مسئولیت مدنی پلتفرم نیز قابل تحقق خواهد بود. از این رو، جدول حاضر نشان می‌دهد که حقوق ایران ظرفیت لازم برای کنترل آثار منفی رضایت ضمنی و جلوگیری از تحمیل ناعادلانه تعهدات در قراردادهای دیجیتال را داراست.

۵. ویژگی‌ها و چالش‌های رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال

رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، برخلاف تصور اولیه که آن را ابزاری ساده برای تسهیل روابط قراردادی می‌داند، نهادی پیچیده و چندلایه است که ویژگی‌ها و چالش‌های خاص خود را دارد. محیط الکترونیکی، با حذف تعامل مستقیم انسانی و جایگزینی آن با ساختارهای فنی و الگوریتمی، ماهیت رضایت را از یک پدیده صرفاً ارادی به مفهومی ترکیبی از اراده، رفتار و طراحی سیستم تبدیل کرده است. در چنین فضایی، رضایت ضمنی نه تنها بازتاب قصد درونی طرف قرارداد، بلکه نتیجه تعامل او با چارچوب‌های از پیش طراحی شده‌ای است که غالباً توسط طرف قوی‌تر تنظیم می‌شود. این ویژگی بنیادین، نقطه آغاز تحلیل چالش‌های رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال در حقوق ایران به شمار می‌رود (امینی، ۱۴۰۳). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، غیرکلامی و فنی بودن شیوه ابراز آن است. کلیک، اسکرول، ادامه استفاده از خدمت یا حتی عدم خروج از یک صفحه، همگی رفتارهایی هستند که در محیط دیجیتال می‌توانند به‌عنوان نشانه رضایت تفسیر شوند. این رفتارها، برخلاف امضای سنتی یا

اعلام شفاهی، اغلب فاقد بار معنایی روشن برای کاربر هستند و بیشتر به‌عنوان واکنش‌های عملکردی تلقی می‌شوند تا تصمیم‌های حقوقی آگاهانه. همین امر سبب می‌شود که فاصله میان «رفتار» و «قصد حقوقی» افزایش یابد و احراز رضایت واقعی با دشواری مواجه شود. در حقوق ایران، که رضایت را امری آگاهانه و مبتنی بر قصد انشا می‌داند، این فاصله می‌تواند به تزلزل اعتبار قرارداد منجر شود (شیروی، ۱۴۰۲).

ویژگی دیگر رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، استانداردسازی و غیرقابل مذاکره بودن شروط قراردادی است. اغلب این قراردادهای در قالب شروط از پیش تنظیم‌شده و الحاقی ارائه می‌شوند و کاربر عملاً هیچ نقشی در شکل‌دهی مفاد قرارداد ندارد. رضایت ضمنی در چنین فضایی، بیش از آنکه حاصل توافق واقعی باشد، نتیجه پذیرش ناگزیر شرایط است. این وضعیت، چالش جدی عدم توازن قراردادی را برجسته می‌سازد؛ جایی که یک طرف، قدرت تعیین چارچوب حقوقی را در اختیار دارد و طرف دیگر، صرفاً میان «پذیرش» یا «محرومیت از خدمت» حق انتخاب دارد. چنین رضایتی، هرچند در ظاهر معتبر به نظر می‌رسد، از منظر عدالت قراردادی و حمایت از اراده آزاد، محل تردید جدی است (وحدتی، ۱۴۰۱). از مهم‌ترین چالش‌های رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، خطر بروز عیوب اراده است؛ امری که در پایان‌نامه نیز به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و در اینجا اهمیت مضاعف می‌یابد. اشتباه، به‌عنوان شایع‌ترین عیب اراده، در محیط دیجیتال اغلب ناشی از پیچیدگی مفاد قرارداد، طولانی بودن شروط و زبان تخصصی یا مبهم آن‌هاست. کاربر، بدون درک دقیق ماهیت تعهدات، صرفاً با اتکاء به ظاهر ساده یک کلیک یا استفاده، وارد رابطه قراردادی می‌شود. چنین اشتباهی، اگر اساسی و مؤثر در قصد باشد، می‌تواند رضایت ضمنی را از اعتبار حقوقی ساقط کند (بدیعی، ۱۴۰۰؛ امینی، ۱۴۰۳).

اکراه نیز در قراردادهای دیجیتال، چهره‌ای متفاوت اما بسیار مؤثر دارد. برخلاف اکراه سنتی که غالباً با تهدید مستقیم همراه است، اکراه دیجیتال بیشتر در قالب فشارهای ساختاری و غیرمستقیم بروز می‌یابد؛ مانند تهدید به مسدودسازی حساب، از دست رفتن داده‌ها، یا محرومیت از خدماتی که برای کاربر جنبه ضروری یافته‌اند. این نوع فشار، اگرچه ممکن است در نگاه نخست «اجبار» تلقی نشود، اما در عمل می‌تواند اختیار واقعی کاربر را سلب کرده و رضایت او را صوری سازد. تحلیل این نوع اکراه، نیازمند نگاهی فراتر از قالب‌های کلاسیک و توجه به واقعیت‌های زیست دیجیتال کاربران است (شیروی، ۱۴۰۲؛ وحدتی، ۱۴۰۱). اغفال و فریب، به‌عنوان یکی دیگر از عیوب اراده، در قراردادهای دیجیتال ارتباط تنگاتنگی با طراحی گمراه‌کننده رابط کاربری دارد. استفاده از تکنیک‌هایی که کاربر را به پذیرش سریع و بدون تأمل شروط سوق می‌دهد، پنهان‌سازی اطلاعات مهم، برجسته‌سازی مزایا و کم‌رنگ کردن تعهدات، همگی می‌توانند مصداق اغفال باشند. در چنین شرایطی، رضایت ضمنی حاصل‌شده، نه نتیجه آگاهی، بلکه محصول هدایت هدفمند رفتار کاربر است. حقوق ایران، با تأکید بر لزوم صداقت و منع فریب در معاملات، چنین رضایتی را فاقد مشروعیت می‌داند، هرچند که در قالب رفتار دیجیتال تحقق یافته باشد (فتاحیان و قناد، ۱۴۰۴).

یکی دیگر از ویژگی‌های چالش‌برانگیز رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، پیچیدگی در تشخیص زمان تحقق رضایت است. در بسیاری از این قراردادهای، روشن نیست که رضایت دقیقاً در چه لحظه‌ای محقق شده است: آیا با ورود به سایت، با کلیک اولیه، با استفاده مستمر، یا با پذیرش تغییرات بعدی؟ این ابهام، آثار مهمی در تعیین زمان انعقاد عقد، آغاز تعهدات و حتی صلاحیت مراجع حل اختلاف دارد. شرط رضایت ضمنی، اگر بدون شفاف‌سازی دقیق این لحظه به کار رود، می‌تواند زمینه‌ساز اختلافات حقوقی جدی شود و امنیت قراردادی را تضعیف کند (امینی، ۱۴۰۳). از منظر حقوق مصرف‌کننده، رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال با چالش

مضاعفی مواجه است. مصرف‌کننده، به‌عنوان طرف ضعیف‌تر، معمولاً دانش حقوقی و فنی لازم برای ارزیابی آثار رضایت خود را ندارد و همین امر، خطر سوءاستفاده از رضایت ضمنی را افزایش می‌دهد. اگر نظام حقوقی، بدون مداخله حمایتی، صرفاً به ظاهر رفتار دیجیتال بسنده کند، رضایت ضمنی به ابزاری برای دور زدن قواعد آمره و تحمیل شروط ناعادلانه تبدیل خواهد شد. این نگرانی، ضرورت تفسیر مضیق رضایت ضمنی و اعمال معیارهای حمایتی را در حقوق ایران برجسته می‌سازد (رضایی، ۱۳۸۷).

ویژگی دیگر رضایت ضمنی در محیط دیجیتال، وابستگی شدید آن به عرف دیجیتال است. عرف تعیین می‌کند که کدام رفتارها، عرفاً دلالت بر رضایت دارند؛ اما این عرف، به دلیل سرعت تحولات فناوری و تفاوت سطح آگاهی کاربران، ناپایدار و چندپاره است. اتکاء مطلق به عرف، بدون سنجش میزان آگاهی و اختیار واقعی، می‌تواند به مشروعیت‌بخشی به رضایت‌های صوری منجر شود. از این رو، حقوق ایران باید عرف دیجیتال را نه به‌عنوان معیار نهایی، بلکه به‌عنوان یکی از امارات در کنار سایر عناصر رضایت تحلیل کند (وحدتی، ۱۴۰۱). بنابراین، می‌توان گفت که رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، نهادی است که در تقاطع کارآمدی اقتصادی و عدالت قراردادی قرار دارد. ویژگی‌هایی مانند سهولت، سرعت و کاهش هزینه‌های معاملاتی، آن را به ابزاری جذاب برای تنظیم روابط دیجیتال تبدیل کرده است، اما همین ویژگی‌ها، چالش‌هایی جدی در زمینه عیوب اراده، عدم توازن قراردادی و حمایت از طرف ضعیف‌تر ایجاد می‌کند. اگر این چالش‌ها نادیده گرفته شوند، رضایت ضمنی از ابزار تسهیل‌گر به عامل تضعیف اراده واقعی تبدیل خواهد شد (امینی، ۱۴۰۳؛ فلاحی، ۱۴۰۳).

۶. تأثیر شرط رضایت ضمنی بر اعتبار، آثار و تعهدات ناشی از قراردادهای دیجیتال

شرط رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، صرفاً یک ابزار فنی برای تسهیل انعقاد قرارداد نیست، بلکه عنصری تعیین‌کننده در ارزیابی اعتبار عقد، گستره تعهدات طرفین و آثار حقوقی ناشی از رابطه قراردادی به شمار می‌رود. پذیرش یا رد اعتبار چنین رضایتی، می‌تواند مستقیماً بر صحت یا بطلان قرارداد، امکان استناد به شروط قراردادی و حتی مسئولیت مدنی ارائه‌دهندگان خدمات دیجیتال اثر بگذارد. از این رو، تحلیل تأثیر رضایت ضمنی بر قراردادهای دیجیتال، ناگزیر از پیوند دادن مباحث نظری رضایت با نتایج عملی و حقوقی آن است؛ پیوندی که در حقوق ایران، بر پایه قواعد سنتی صحت عقد و حمایت از اراده واقعی شکل می‌گیرد (امینی، ۱۴۰۳).

نخستین و اساسی‌ترین اثر شرط رضایت ضمنی، تأثیر آن بر اعتبار قرارداد دیجیتال است. در حقوق مدنی ایران، رضایت به‌عنوان یکی از ارکان اساسی عقد، باید واجد وصف آگاهی و اختیار باشد. هرگاه رضایت ضمنی، صرفاً در قالب رفتار فنی و بدون احراز قصد واقعی تحقق یابد، اعتبار قرارداد با تردید جدی مواجه می‌شود. به بیان دیگر، رضایت ضمنی نمی‌تواند جایگزین رضایت واقعی شود، بلکه صرفاً کاشف از آن است. اگر این کاشفیت به دلیل فقدان آگاهی، اغفال یا فشار ساختاری مخدوش گردد، قرارداد یا باطل خواهد بود یا دست‌کم قابلیت استناد کامل نخواهد داشت (شیروی، ۱۴۰۲؛ بدیعی، ۱۴۰۰). در این چارچوب، نقش عیوب اراده در تعیین اعتبار قراردادهای مبتنی بر رضایت ضمنی برجسته می‌شود. اشتباه ناشی از پیچیدگی شروط دیجیتال، اکراه ناشی از وابستگی کاربر به خدمات پلتفرم و اغفال ناشی از طراحی گمراه‌کننده، همگی می‌توانند رضایت ضمنی را از اثر حقوقی تهی سازند. در چنین حالتی، هرچند رفتار ظاهری کاربر حاکی از پذیرش باشد، اما از منظر حقوقی، عقد فاقد یکی از ارکان اساسی خود است. این تحلیل، مانع از

آن می‌شود که ارائه‌دهندگان خدمات دیجیتال، صرف رفتار کاربران را به‌عنوان رضایت قطعی و غیرقابل خدشه تلقی کنند (امینی، ۱۴۰۳؛ فتاحیان و قناد، ۱۴۰۴).

از حیث آثار حقوقی قرارداد دیجیتال، رضایت ضمنی تعیین‌کننده دامنه تعهداتی است که می‌توان به کاربر تحمیل کرد. تنها تعهداتی الزام‌آور خواهند بود که کاربر، با رضایت آگاهانه—ولو ضمنی—آن‌ها را پذیرفته باشد. شروطی که به‌صورت پنهان، مبهم یا غافلگیرکننده درج شده‌اند، حتی اگر در متن قرارداد وجود داشته باشند، نمی‌توانند آثار حقوقی کامل داشته باشند. این رویکرد، ریشه در اصل تفسیر مضیق شروط محدودکننده حقوق و تعهدات سنگین دارد و در قراردادهای دیجیتال، اهمیتی دوچندان می‌یابد (وحدتی، ۱۴۰۱). یکی از آثار مهم شرط رضایت ضمنی، تأثیر آن بر شمول و الزام‌آوری شروط الحاقی است. در قراردادهای دیجیتال، اغلب شروط به‌صورت یک‌جانبه و غیرقابل مذاکره تعیین می‌شوند. رضایت ضمنی کاربر، تنها تا جایی می‌تواند این شروط را الزام‌آور سازد که مفاد آن‌ها به‌طور معقول قابل پیش‌بینی و منطبق با انتظار متعارف کاربر باشد. شروطی که تعهدات غیرمتعارف یا نامتوازن ایجاد می‌کنند، بدون اطلاع‌رسانی مؤثر، نمی‌توانند صرفاً با اتکاء به رضایت ضمنی معتبر تلقی شوند. این تحلیل، ابزار مهمی برای کنترل نابرابری قراردادی در حقوق ایران فراهم می‌آورد (رضایی، ۱۳۸۷؛ امینی، ۱۴۰۳).

در خصوص تغییرات یک‌جانبه قراردادهای دیجیتال، شرط رضایت ضمنی نقش دوگانه‌ای ایفا می‌کند. از یک سو، پلتفرم‌ها تلاش می‌کنند استمرار استفاده کاربر را به‌عنوان رضایت به شروط جدید تلقی کنند؛ از سوی دیگر، چنین تفسیری تنها در صورتی قابل پذیرش است که تغییرات به‌صورت شفاف اعلام شده و کاربر امکان واقعی مخالفت یا خروج از قرارداد را داشته باشد. در غیر این صورت، استمرار استفاده بیشتر به ناچاری شبیه است تا رضایت. بنابراین، آثار حقوقی تغییرات قراردادی، به‌طور مستقیم به کیفیت رضایت ضمنی وابسته است (فلاحی، ۱۴۰۳). شرط رضایت ضمنی همچنین بر تعیین مسئولیت قراردادی و مدنی پلتفرم‌های دیجیتال تأثیرگذار است. اگر پلتفرم با طراحی فنی یا رفتاری خود، رضایت کاربر را به‌صورت صوری یا گمراه‌کننده اخذ کرده باشد، نمی‌تواند به شروط قراردادی برای رفع یا تحدید مسئولیت استناد کند. در چنین مواردی، رضایت ضمنی نه‌تنها مسئولیت را ساقط نمی‌کند، بلکه می‌تواند قرینه‌ای بر تقصیر پلتفرم تلقی شود. این رویکرد، با اصول انصاف و منع سوءاستفاده از حق در حقوق ایران هم‌خوانی دارد (فتاحیان و قناد، ۱۴۰۴).

از منظر حمایت از مصرف‌کننده، آثار رضایت ضمنی باید به‌گونه‌ای تفسیر شود که منجر به تضعیف موقعیت حقوقی طرف ضعیف‌تر نشود. پذیرش بی‌قیدوشرط رضایت ضمنی، این خطر را به همراه دارد که قواعد آمره حمایتی، در پس ظاهر رضایت پنهان شوند. بنابراین، دادرس و مفسر قرارداد باید همواره میان کارآمدی اقتصادی قراردادهای دیجیتال و ضرورت حمایت از اراده واقعی، تعادل برقرار کند. این تعادل، تنها از طریق تفسیر محتاطانه آثار رضایت ضمنی قابل تحقق است (وحدتی، ۱۴۰۱). بنابراین، می‌توان گفت که شرط رضایت ضمنی، اگرچه نقشی اساسی در شکل‌گیری و تداوم قراردادهای دیجیتال دارد، اما اثر آن بر اعتبار و تعهدات قراردادی، مطلق و غیرقابل خدشه نیست. رضایت ضمنی، تنها در صورتی می‌تواند منشأ آثار حقوقی کامل باشد که در خدمت کشف اراده واقعی قرار گیرد، نه جایگزینی صوری برای آن. هرچا که این شرط به ابزاری برای تحمیل تعهدات ناعادلانه، دور زدن عیوب اراده یا تضعیف طرف ضعیف‌تر تبدیل شود، حقوق ایران با اتکاء به اصول بنیادین خود، امکان بی‌اعتبارسازی یا تحدید آثار آن را

فراهم می‌آورد. این رویکرد، نشان می‌دهد که حقوق ایران، علی‌رغم چالش‌های فناوری، همچنان ظرفیت لازم برای مواجهه منصفانه با قراردادهای دیجیتال و رضایت ضمنی را داراست (امینی، ۱۴۰۳؛ شیروی، ۱۴۰۲).

نتیجه‌گیری

تحولات گسترده فناوری اطلاعات و گسترش قراردادهای دیجیتال، مفهوم سنتی رضایت را با چالش‌های بنیادین مواجه ساخته و شرط رضایت ضمنی را به یکی از کانونی‌ترین مباحث حقوق قراردادهای در عصر دیجیتال تبدیل کرده است. این پژوهش با تمرکز بر حقوق ایران نشان داد که رضایت ضمنی، اگرچه ابزاری کارآمد برای تسهیل انعقاد قراردادهای الکترونیکی است، اما از منظر حقوقی نهادی بی‌قیدوشرط و مطلق محسوب نمی‌شود و اعتبار آن همواره وابسته به کشف اراده واقعی و آگاهانه طرفین است. حقوق ایران، با تکیه بر اصول کلاسیک خود در باب قصد و رضا، ظرفیت لازم برای تحلیل و کنترل این نهاد نوظهور را داراست، مشروط بر آنکه این اصول به‌درستی با اقتضائات محیط دیجیتال تطبیق داده شوند (امینی، ۱۴۰۳). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شرط رضایت ضمنی در حقوق ایران، برخلاف برخی برداشتهای موسع، نمی‌تواند جایگزین رضایت واقعی شود، بلکه صرفاً نقش اماره و کاشف اراده را ایفا می‌کند. ماده ۱۰ قانون مدنی و اصل حاکمیت اراده، هرچند انعطاف‌پذیری لازم برای پذیرش شیوه‌های نوین انعقاد قرارداد را فراهم می‌کنند، اما این پذیرش به معنای چشم‌پوشی از شرایط اساسی صحت عقد، به‌ویژه آگاهی و اختیار، نیست. بدین ترتیب، هر جا که رضایت ضمنی به‌واسطه فقدان اطلاع‌رسانی مؤثر یا طراحی نامتوازن ساختار قراردادی شکل گیرد، نمی‌تواند منشأ آثار حقوقی کامل تلقی شود (شیروی، ۱۴۰۲).

تحلیل قراردادهای دیجیتال نشان داد که شیوه‌های تحقق رضایت ضمنی، مانند کلیک‌ورپ، براوزورپ و استمرار استفاده از خدمات، همگی به‌شدت به کیفیت اطلاع‌رسانی و عرف دیجیتال وابسته‌اند. عرف، اگرچه می‌تواند در تفسیر رفتار کاربران نقش ایفا کند، اما به دلیل ناپایداری و ناهمگونی، نمی‌تواند معیار نهایی احراز رضایت باشد. از این رو، تفسیر رضایت ضمنی باید همواره با ملاحظه جایگاه طرف ضعیف‌تر و اصل منع سوءاستفاده از حق صورت گیرد تا از تبدیل عرف دیجیتال به ابزار تحمیل تعهدات ناعادلانه جلوگیری شود (وحدتی، ۱۴۰۱). یکی از نتایج مهم پژوهش، برجسته شدن نقش عیوب اراده در بی‌اعتبارسازی یا تحدید آثار رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال است. اشتباه ناشی از پیچیدگی شروط، اکراه ساختاری ناشی از وابستگی کاربران به پلتفرم‌ها و اغفال ناشی از طراحی همراه‌کننده، همگی می‌توانند رضایت ظاهری را از مشروعیت حقوقی تهی سازند. این امر نشان می‌دهد که محیط دیجیتال نه‌تنها از اهمیت قواعد سنتی عیوب اراده نمی‌کاهد، بلکه ضرورت اعمال دقیق‌تر آن‌ها را دوجندان می‌سازد (بدیعی، ۱۴۰۰؛ فتاحیان و قناد، ۱۴۰۴).

پژوهش همچنین نشان داد که آثار حقوقی ناشی از شرط رضایت ضمنی، به‌ویژه در زمینه الزام‌آوری شروط الحاقی، تغییرات یک‌جانبه قرارداد و تحدید مسئولیت پلتفرم‌ها، باید به‌صورت مضیق تفسیر شود. رضایت ضمنی تنها می‌تواند تعهداتی را الزام‌آور سازد که برای کاربر متعارف قابل پیش‌بینی و منطبق با انتظار مشروع او باشد. شروط غیرمتعارف یا سنگین، بدون اعلام شفاف و امکان انتخاب واقعی، حتی با وجود رفتار پذیرش‌آمیز کاربر، فاقد پشتوانه حقوقی کافی خواهند بود (رضایی، ۱۳۸۷؛ امینی، ۱۴۰۳). در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که رضایت ضمنی در قراردادهای دیجیتال، نهادی اجتناب‌ناپذیر اما پرمخاطره است. حقوق ایران، با اتکاء به اصول

بنیادین خود، قادر است میان ضرورت‌های فناوری و الزامات عدالت قراردادی تعادل برقرار کند. شرط اساسی این تعادل، تفسیر رضایت ضمنی به‌عنوان ابزار کشف اراده واقعی و نه پوششی برای حذف آن است. هر جا که رضایت ضمنی در خدمت شفافیت، آگاهی و اختیار قرار گیرد، می‌تواند به کارآمدی روابط قراردادی کمک کند؛ اما هرگاه به ابزاری برای تحمیل، فریب یا بی‌اعتنایی به اراده واقعی بدل شود، باید از آثار حقوقی آن کاسته یا آن را بی‌اعتبار دانست. این رویکرد، مسیر مناسبی برای توسعه منصفانه قراردادهای دیجیتال در حقوق ایران فراهم می‌آورد (امینی، ۱۴۰۳؛ شیروی، ۱۴۰۲).

منابع

۱. احمدی، حبیب‌طالب، فرهمند، آذر. (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی حمایت از مصرف‌کنندگان در قراردادهای رایانش ابری در حقوق اتحادیه اروپا، انگلستان و ایران. دانشنامه حقوق اقتصادی، ۲۸(۲۰)، ۲۷۱-۳۰۵.
۲. اکبری، پهلوان زاده، ایرانشاهی. (۱۴۰۳). رویکردهای قانونگذاری در قراردادهای الکترونیک در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا. فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی، ۶(۳)، ۱۹۷-۲۱۲.
۳. امیرآبادی فراهانی، طبائی، مهشید سادات، ششمیری. (۱۴۰۴). تحلیل تطبیقی قانون حاکم و تأثیر آن بر اعتبار قراردادهای متاورسی. مطالعات فقه و حقوق رسانه
۴. امینی، ع. (۱۴۰۳). حقوق قراردادها. تهران: گنج دانش.
۵. آهنگران، م. ر. (۱۳۹۹). قراردادهای الکترونیکی: انعقاد تا انحلال (مطالعه تطبیقی در فقه، حقوق ایران و کنوانسیون ژنو ۲۰۰۵). مجد.
۶. بدیعی، ع. ا. (۱۴۰۰). قراردادهای الکترونیکی از منظر فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق بین‌الملل. خوبی.
۷. جان محمدی، جان محمدی، حسینی. (۱۴۰۳). تحلیل ابعاد حقوقی قرارداد تامین محتوا و خدمات دیجیتال با تأکید بر حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان. مجلس و راهبرد، ۳۱(۱۱۸)، ۲۲۹-۲۵۸.
۸. حاجبی، عامری سیاهویی. (۱۴۰۴). بررسی ابعاد فقهی و حقوقی ازدواج‌های آنلاین و قراردادهای مرتبط با تأکید بر حقوق زنان. پژوهش‌های میان رشته‌ای زنان
۹. حسینی مقدم، سلیمانی اندرور. (۱۴۰۲). تعهدات فروشنده در انطباق مادی کالاهایی با عناصر دیجیتالی در دستورالعمل اتحادیه اروپا ۲۰۱۹ و وضعیت آن در حقوق ایران. پژوهش حقوق خصوصی، ۱۱(۴۲)، ۲۴۷-۲۷۶.
۱۰. خجندی جزی، پروین، خیرالله، میرزاده کوهشاهی. (۱۴۰۴). فرصت‌ها و چالش‌های دارایی‌های دیجیتال از منظر حقوق عمومی در نظام حقوقی ایران و کانادا. فلسفه حقوق.
۱۱. دادآفرین کیانفر، اعظمی راد مهشیدالملوک. (۱۴۰۴). امکان شناسایی شخصیت حقوقی برای رباتها در چارچوب حقوق سایبری آینده نگر.
۱۲. دهقانی تفتی، افضلی مهر، اسکینی، ربیعا. (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی قانون حاکم بر قراردادهای هوشمند دیجیتالی از منظر حقوق بین‌الملل خصوصی در نظام حقوقی ایران و مقررات رم یک. حقوق فناوری های نوین، ۲(۴)، ۲۰۳-۲۲۵.
۱۳. دهقانی تفتی، افضلی مهر، اسکینی، ربیعا. (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی الزامات حقوقی طراحی قراردادهای هوشمند دیجیتالی در حقوق ایران و فرانسه. پژوهشنامه حقوق تطبیقی، ۶(۲)، ۲۹-۵۱.
۱۴. رضایی، ع. (۱۳۸۷). حقوق تجارت الکترونیکی. میزان.

۱۵. رهبری، مسعودی تفرشی، آرین. (۱۴۰۳). الزامات قراردادهای بازارگاههای دیجیتال با کاربران تجاری از منظر حقوق رقابت بین پلتفرمی. پژوهش های حقوق اقتصادی و تجاری، ۱(۴)، ۹۵-۱۲۵.
۱۶. رهبری، مسعودی تفرشی، آرین. (۱۴۰۳). خودترجیحی در پلتفرمهای دیجیتال: تحلیل حقوق رقابتی رفتارهای ترجیحی و ضرورت و ملاحظات وضع مقررات رقابتی پیشگیرانه. مجله علمی، ۲۱(۱)، ۹۱-۱۰۷.
۱۷. شاپور گل محمدی ننه کران، محمدرضا نسب پور مولائی. (۱۴۰۴). قراردادهای هوشمند دیجیتالی و قانون حاکم بر آنها در پرتو حقوق بین الملل خصوصی. دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، ۳(۳)، ۱۷۹-۱۹۹.
۱۸. شیروی، ع. ح. (۱۴۰۲). حقوق قراردادهای (انعقاد، آثار و انحلال). تهران: سمت.
۱۹. عباسی، ت. ح. (۱۴۰۴). اندیشه‌های نو در حقوق قراردادهای. تهران: دادگستر.
۲۰. عباسی اندواری، م. ت. (۱۴۰۱). حقوق قراردادهای و تعهدات (جلد ۱). تهران: مجد.
۲۱. فتاحیان، فناد. (۱۴۰۴). ماهیت‌شناسی، احکام و آثار قرارداد توکن‌های غیرقابل تعویض (NFT) در حقوق ایران. حقوق فناوری های نوین، ۶(۱۲)، ۱۲۷-۱۴۶.
۲۲. فلاحی، آ. (۱۴۰۳). حقوق قراردادهای نوین. مجد.
۲۳. فیضی چکاب، غلام نبی، عاکفی قاضیانی، وحید. (۱۴۰۱). ماهیت معاملات مربوط به محصولات دیجیتالی در حقوق امریکا با رویکردی تطبیقی به فقه اسلامی و حقوق ایران. مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۱۳(۲۹)، ۲۱۷-۲۴۷.
۲۴. کریمی، سحر، سینمبری، پریسا. (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی امضای دیجیتال در قراردادهای هوشمند در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا. مطالعات حقوقی فضای مجازی، ۱۰(۳)، ۲-۱۴.
۲۵. مافی، همایون. (۱۴۰۰). واکاوی مکانیسم احراز اهلیت متعاملین در پیاده سازی قراردادهای هوشمند در حقوق ایران. پژوهشنامه بازرگانی، ۲۵(۹۸)، ۲۷۹-۳۲۰.
۲۶. محمدی، م. (۱۳۹۳). انعقاد قراردادهای الکترونیکی: مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی، حقوق ایران و کنوانسیون ۲۰۰۵ ژنو. تهران: دانشگاه مفید.
۲۷. محمودی، سیدفضل‌الله. (۱۳۹۵). جایگاه خیارهای مختص بیع در قراردادهای الکترونیکی در حقوق مدنی ایران. مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۴(۲)، ۸۸-۹۶.
۲۸. ملاهاشمی، م. ر. (۱۴۰۲). قراردادهای (چاپ چهارم). تهران: انتشارات اندیشه بیگی. سال نشر: ۱۴۰۲. ISBN: ۹۷۸۶۲۲۵۹۵۲۱۳۳.
۲۹. ناصر، م. (۱۳۹۷). قراردادهای هوشمند (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و آمریکا). تهران: مجد.
۳۰. وحدتی، م. (۱۴۰۱). استنادپذیری مبادلات الکترونیک؛ در رویه قضایی ایران. مجد.
۳۱. یوسف زاده. (۱۴۰۳). ماهیت حقوقی توکن‌های غیرمثلی و انتقال آن در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا. پژوهش حقوق خصوصی، ۱۲(۴۷)، ۱۶۵-۱۹۶.